

بحران در خلیج فارس دکتر همایون الهی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مقدمه

آغاز بحران

در دوم اگوست ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۹) نیروهای نظامی عراق وارد خالنگویت شدند و این کشور کوچک را که در رأس خلیج فارس قرار دارد ، تسخیر نمودند.^۱ کویت یکی از هشت کشوری است که در خلیج فارس دارای ساحل هستند^۲ و بنابراین از بحران کویت به عنوان " بحران خلیج فارس " نام برده شد ، همانگونه که جنگ عراق علیه ایران تحت عنوان " جنگ خلیج فارس " نامگذاری شده بود . این طرز تلقی در بحرانهای منطقه و مرتبط نمودن آن به خلیج فارس " بیان کننده یکپارچگی و " تاثیر پذیری متقابل " منطقه می باشد . به عبارت دیگر مسایل (اعم از سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی) يك کشور حوزه خلیج فارس را نمی توان بطور مجرد مورد نظر قرار دادو یا حتی به حل آن پرداخت کشورهای این حوزه جغرافیایی به صورت " ظروف مرتبط " عمل می کند که هر واقعه یا اقدامی (درونی یا بیرونی) در يك کشور بر حرکت سایر کشورها تاثیر گذاشته و عکس العمل آنها را برمی انگیزد و در مقابل آثار خود را نه تنها بر منطقه بلکه بر جهان خارج از آن نیز باقی می گذارد . این نوع تاثیر پذیری متقابل نتیجه و حاصل اهمیت جهانی منطقه خلیج فارس می باشد ، زیرا اگر این منطقه فاقد چنین اعتبار و اهمیتی بود بطور حتم

۱- در این مقاله سعی شده است که در حد امکان تاریخ میلادی و هجری شمسی با هم نوشته شود .

۲- کویت که در زبان هندی به عنوان قلعه (کوچک) می باشد دارای ۱۷۸۱۷ کیلومتر مربع وسعت و جمعیتی برابر ۱،۸۷۰،۰۰۰ نفر (سال ۱۹۸۷) می باشد خلیج فارس و مسایل آن ، دکتر همایون الهی ، نشر قومس ، ۱۳۶۸ ، صفحه ۱۳۹ و جدول صفحه ۱۳۰ .

۳- هشت کشور حوزه خلیج فارس عبارتند از : ایران ، عراق ، کویت ، عربستان سعودی ، قطر ، بحرین ، امارات متحده عربی و عمان .

این نوع تاثیر پذیریها وجود نداشت.

اهمیت خلیج فارس

مهمترین موارد اهمیت خلیج فارس عبارتند از: ۱- نفت ۲- گاز ۳- تجارت ۴- موقعیت ژئواستراتژیک ۵- معادن زیر زمینی ۶- ایدئولوژی ۷- مرکز تمدن

اهمیت خلیج فارس عامل ایجاد بحران

ابعاد گوناگون اهمیت خلیج فارس موجب جلب توجه دولت‌ها و کوشش آنها برای کنترل هر چه بیشتر و وسیعتر این منطقه است. همین میل به تسلط بر منطقه است که موجب تضاد شده و ایجاد بحران می‌نماید. این تضاد می‌تواند:

- ۱- بین دولتهای دوست ولی رقیب خارج از منطقه (نظیر کشورهای صنعتی غرب غرب) بوجود آید.
- ۲- بین دولتهای متخاصم رقیب خارج از منطقه (نظیر کشورهای غرب شرقی و چین) به وجود آید.
- ۳- بین قدرتهای مهاجم خارجی و قدرتهای منطقه‌ای (هرکجا قدرت منطقه‌ای توان عکس العمل بیابد) به وجود آید.
- ۴- بین قدرتهای منطقه‌ای (هرکجا که موقعیت مناسب برای اقدام ایجاد شود) به وجود آید.

چرا بحران حمله عراق به کویت به بحران جهانی تبدیل شد

حمله نظامی عراق به کویت در حقیقت از نوع چهارم ایجاد بحران (بحران بین دولتهای منطقه) بود و به ظاهر می‌بایست در همین حد باقی می‌ماند. چگونه است که این بحران تبدیل به يك بحران بین المللی شد؟

۱- نظیر درگیریهای مرزی عربستان با امارات متحده عربی و عملاً درگیریهای مرزی قطر و بحرین، حمله عراق بد ایران و اخیراً " حمله عراق به کویت "

پاسخ به این سوال را می‌توان در قالب توضیح قبلی بیان نمود: از آنجا که این منطقه به صورت "ظروف مرتبط" عمل می‌کند که از درون و یا بیرون تاثیر پذیر بوده ولی در عین حال حاصل تحولات را به خارج نیز منتقل می‌نماید، بنابراین هر چند که این بحران بین دو کشور داخلی بود ولی بر سایر کشورهای منطقه تاثیر مستقیم گذاشت و آثار خود را بر موقعیت کشورهای خارجی نیز تحمیل نمود و بدین ترتیب بحران محلی به بحران بین‌المللی تبدیل شد.

بازیگران اصلی در ایجاد بحران

در اینجا دوبازیگر اصلی را مورد توجه قرار می‌دهیم و انگیزه‌های عمل و عکس‌المعمل آنها را می‌سنجیم. این دوبازیگر یکی عراق است و دیگری امریکا (یکی منطقه‌ای و دیگری فرامنطقه‌ای). جالب توجه است که این دوبازیگر قبل از شروع بحران دارای روابط دیپلماتی بسیار نزدیک و دوستانه بودند و به معیار "سیاست عملی" احتمال رویارویی آنها قابل پیش‌بینی نبود.

علل تهاجم عراق به کویت

مهمترین انگیزه‌های تهاجم عراق به کویت را می‌توان به شرح زیر عرضه نمود.

- ۱- زمینه تاریخی که عراق خاک کویت را بخشی از سرزمین خود می‌داند.
- اکنون که صدام خود را از نظر نظامی قوی می‌دید درصدد تحقق بخشیدن به این رویای تاریخی برآمد.
- ۲- نیاز تحقق بخشیدن به این رویا، از نظر سیاسی در این زمان بیش از هر زمان دیگری برای صدام لازم بود. وی که با تشویق امریکا و حمایت غرب مردم خود را درگیر یک جنگ تمام عیار و بی حاصل هشت ساله با یک کشور مسلمان انقلابی یعنی ایران نموده بود می‌بایست با حرکتی:

۱- برای مطالعه سابقه تاریخی ادعای عراق، از جمله می‌توان به منبع زیر مراجعه نمود.
Middle East Report November-December 1990, pp. 11-12

الف - خاطرات جنگ با ایران را از افکار مردم خود دورسازد.

ب - چهره ضد استکباری به خودبگیرد.

ج - توجه مردم خود را از مشکلات داخلی به مسایل خارجی معطوف دارد.

۳- انگیزه اقتصادی محرك دیگری برای اقدام مدام بود. رژیم عراق در طول جنگ علیه ایران يك بدهی عظیم ۷۰ میلیارد دلاری در خارج ایجاد نموده بود! اقتصاد داخلی در هم ریخته بود و با لآخره عراق حدود ۱۵ میلیارد دلار به کویت بدهی داشت (این ورای کمکهای بلاعوض کویت به عراق در طی جنگ علیه ایران بود). بعد از خاتمه جنگ علیه ایران کشورهای عربی نه تنها آ ماده ادا مکه کمک به عراق در حد وسیع گذشته نبودند بلکه انتظار داشتند که عراق بدهیهای خود به آنها را نیز بپردازد، اما رژیم عراق نه تنها از بازپرداخت ایمن بدهیها عاجز بود بلکه برای بازسازی عراق، گسترش صنایع تسلیحاتی (از جمله تسلیحات اتمی و موشکی) و خرید تسلیحات جدید نیاز به منابع مالی جدید داشت و با تصرف کویت و ذخائر و داراییهای آن^۲ می توانست:

الف - فشار بدهی اعراب را کاهش دهد و یا از بین ببرد.

ب - از ذخائر کویت سایر بدهیها پرداخت شود و زمینه دریافت وامهای دیگر فراهم آید.

ج - با استفاده از ذخایر و درآمدهای آتی کویت^۳ به اقتصاد و برنامه های نظامی عراق تحرك بیشتری بدهد.^۴

1- Aussen Politic MC-(German Foreign Affairs Review) Vol,42 1th Quarter 1991,p.58.

۲- داراییهای کویت در خارج از کویت ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود همینطور کویت دارای ناوگانهای تانکر حمل نفت ، شرکتهای کشف و استخراج نفت و گاز در ۲۲ کشور می باشد. تنها در اروپا کویت دارای ۶۵۰۰ جایگاه پمپ بنزین Q8 می باشد. (برای مطالعه بیشتر به: خلیج فارس و مسایل آن همان کتاب، بخش مربوط به کویت و همین طور به Time December 24.1990.p.12,p.14. مراجعه شود.

۳- درآمد نفت کویت در سال ۱۹۸۸ حدود ۶ میلیارد دلار و درآمد حاصل از سرمایه گذاری خارجی آن برابر ۸ میلیارد دلار بوده است ، ماخذ، International Monetary Fund Balance of Payments Statistics Yearbook,1989,p.378.
4-Aussen Politic o.o.A.p.58.

د - دستیابی به منابع نفتی کویت و بخصوص نفت منطقه رمیله انگیزه مهم دیگر اقتصادی بوده است.

۴- انگیزه نظامی محرك دیگر این حمله نظامی بود عراق تسلیحات فراوان از جمله تسلیحات و تجهیزات دریایی را در طی سالهای جنگ با ایران سفارش داده بود. اما با توجه مسدود بودن اروند رود، عراق ساحل مناسبی در خلیج فارس نداشت و این از تحرك نظامی آن بشدت می‌کاهد و این کشور را ضربه پذیر می‌سازد. تسلط به جزایری چون بوبیان و وربه می‌تواند ایمن مشکل عراق را حل نماید.^۲ در طی سالهای جنگ با ایران، عراق از کویت درخواست اجاره این جزایر را نمود ولی کویت با این درخواست مخالفت کرد و هر چند جزایر مزبور را در اختیار عراق قرار داد تا از آنها استفاده نظامی نماید. بنابراین در طی جنگ جزایر کویت عملاً " پایگاههای اصلی تهاجمات هوایی و دریایی عراق علیه ایران بود.^۳ بعد از خاتمه جنگ با ایران، عراق توجه بیشتری به توسعه ام القصر به عنوان یک پایگاه دریایی که می‌توانست بصره را جایگزین کند، نمود. در راستای انجام این سیاست تسلط بر جزایر بوبیان و وربه برای عراق اهمیت بیشتری یافت.

۵- انگیزه نظامی فوق بخصوص در سایه انگیزه سیاسی اهمیت بیشتری می‌یابد. رژیم عراق همیشه و بخصوص بعد از ناصرداعیه رهبری جهان عرب را داشته است.^۴ (حتی یکی از محرکهای اصلی حمله عراق به ایران می‌توانست همین انگیزه باشد). عراق برای قبولاندن رهبری خود به جهان عرب می‌بایست هم صاحب قدرت کافی باشد (سواحل، قدرت اقتصادی، قدرت نظامی) و هم توان به کارگیری آنرا به نمایش گذارد. تصرف کویت هر دو مورد را تأمین می‌نمود.

1- Bubiyan and Warbah.

2-Time, September 1990, p.18.

3- Aussen Politic, o.o.A, p, 59.

Middle East Report, November-December 1990. p.13.

4-Aussen Politic, o.o.A. pp, 59-60

در ضمن توجه شود که ارتباط دادن حل مساله کویت به کل مساله منطقه‌ای نظیر اجرای قننامه‌های سازمان ملل توسط اسرائیل و حل مساله فلسطین و غیره نیز حرکت حساب شده عدام برای به دست آوردن محبوبیت در میان اعراب بود

۶- ملاحظات امنیتی نیز محرک مهمی برای صدام می‌تواند بوده باشد شورای همکاری خلیج فارس در حالی بنیان گذارده شد که عراق درگیر جنگ با ایران بوده و در طی سالهای دهه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، عراق بشدت با تشکیل چنین شورایی (در آن هنگام با شرکت ایران) مخالف بود و همین مخالفتها نیز یکی از عوامل مهم عدم تشکیل این شورا در آن زمان بود. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پس از حمله نظامی به ایران، نه تنها عراق در موقعیتی نبود که با تشکیل این شورا (این بار بدون حضور ایران) مخالفت کند، بلکه شورای همکاری خلیج فارس به عنوان مجمع هماهنگ کننده کمک به عراق و به عنوان جبهه سیاسی متحد علیه ایران به صورت ابزاری در دست صدام درآمد. اما اکنون بعد از خاتمه جنگ با ایران، شورای همکاری خلیج فارس می‌توانست به عنوان تهدیدی علیه مقاصد رژیم عراق در منطقه خلیج فارس به کار رود. تسخیر کویت در عمل این شورا را متلاشی می‌نمود و از قدرت آن بشدت می‌کاست.

علل عکس العمل امریکا

علل و زمینه عکس العمل امریکا را نمی‌توان بدون توجه به وقایع دهه قبل از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داد. پس از خروج نظامی انگلستان از منطقه در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) امریکابه دلایل مختلف از جمله درگیری در جنگ ویتنام، رقابت با شوروی، مخالفت افکار عمومی در منطقه و جهان و با توجه به دکترین نیکسون، از شاه ایران به عنوان "زاندانم" منطقه استفاده نمود.^۱ منافع و موقعیت امریکادر منطقه بدین ترتیب به بهترین نحو در طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ (۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹) حفظ

1- Gulf Security livto the 1980S, Perceptualand
Strategical Dimensions, Ed.by: Rebert G. Darius, John W.
Amos, 11, Ralph H. Magnusi Hoover Institution Press, 1984,
P.5.

گشت. با سقوط رژیم شاه این موقعیت عالی آمریکا در منطقه از بین رفت. بخصوص عدم توانایی آمریکا در حمایت از رژیم شاه و شکست پیاپی توطئه‌های جلوگیری از پیروی انقلاب اسلامی همگی موجب تحقیر آمریکا در منطقه گردید.^۱ رژیم‌هایی که تا آن زمان به اتکای حمایت آمریکا پایه‌های حکومت خود را محکم می‌دانستند اکنون احساس می‌کردند که به هر دلیل نمی‌توانند کاملاً به آمریکا متکی باشند و در موقع بحران انتظار کمک از وی داشته باشند. در طی دهه بعد از انقلاب اسلامی نیز این وضع کم و بیش ادامه داشت. آمریکا نه تنها در طی این مدت در توطئه‌های خود برای براندازی جمهوری اسلامی^۲ موفق نشد بلکه شکست‌های دیگری را تجربه نمود و حتی نزدیکی آمریکا به شوروی (که تا دیروز به عنوان خطر درجه اول برای منطقه توجیه می‌شد) به ناباوری در حسن نیت و عدم اعتماد به حمایت آمریکا در میان رژیم‌های متکی به آمریکا افزود.

آمریکا که در طی دهه هشتاد به بهبود و تقویت توان نظامی خود برای افزایش توان به‌کارگیری نیروی نظامی در منطقه پرداخته بود^۳ اکنون در آخر دهه ۱۹۹۰ این توان را در خود می‌دید که شکست‌های گذشته را جبران کند. تحت این شرایط است که آمریکا با توجه به انگیزه‌های زیر درگیر بحران شد:

۱- یکی از مهمترین انگیزه‌های آمریکا در خلیج فارس حفظ کنترل بر منطقه و منابع آن بخصوص منابع نفت آن به قیمت ارزان می‌باشد.^۴

اولین اعلام خطر بنیادی به موقعیت نفتی غرب در منطقه خلیج فارس، در تحریم نفتی غرب توسط اعراب در سال ۱۹۷۳ به عمل آمد. این امر

1-Current History, February 1988, pp.50-51.

2- U.S. Government Office, Washington, 1988, Hearing for Committee on Foreign Relation, U.S. Senate, May 2q, June 16 Oct 23 and 28, 1987, U.S. Policy in The Persian Gulf.

۳- مراجعه شود به شروود کوردبیر، نیروهای واکنش سریع آمریکا، همان کتاب

4- ASIS Review, O.O.A., p.106.

Aussen Politik, O.O.A.P. 74.

نگرانیهای بسیاری در محافل غرب ایجاد کرد و منتهی به برنامه ریزی برای کنترل منابع نفتی کشورهای منطقه در صورت تغییر در وضعیت موجود گردید!^۱ هرچند در طی سالهای پس از آن غرب توانست کنترل هرمنطقه را بدون درگیر شدن در یک جنگ اعمال نماید^۲ اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران، "وضع موجود" را که براساس حفظ منابع کشورهای صنعتی پایه گذاری شده بود را تغییر داد.

در طی سالهای دهه ۱۹۸۰ به تدریج مشخص شد که برنامه های کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه که از دهه ۱۹۷۰ شروع شده بود (دستیابی به منابع جدید نفتی خارج از منطقه، یافتن منابع انرژی جایگزین، برنامه های صرفه جویی و...) موفقیت آمیز نبوده است.^۳ همه این مسایل بیانگر آن بود که نفت خلیج فارس همچنان نه تنها اهمیت خود را حفظ خواهد نمود بلکه در سالهای آتی به اهمیت آن نیز افزوده خواهد شد. تحت این شرایط است که بوش رییس جمهوری امریکا در یک سخنرانی می گوید:

بسیاری از آمریکاییها بطور غریزی می دانند که چرا ما در خلیج درگیر هستیم... آنها می دانند ما باید کنترل بر منابع نفتی جهان را برای خود حفظ کنیم و اجازه ندهیم در دست صدام قرار گیرد...^۴

منظور از منابع نفتی جهان به طور مسلم نفت خلیج فارس است و در راه تسلط بر این منابع دو کشور عربستان و کویت که به تنهایی مالک ۴۰ درصد ذخایر شناخته شده جهان هستند از همه مهمتر هستند.^۴ عربستان سعودی

1- Fortune, May 1979. Time, February 10, 1975.

Department of State Bulletin (D S B) (January 27, 1975):

101. Wall Street Journal, July 17, 1974.

۲- حجم تولید نفت امریکا و شوروی به ترتیب سالانه ۴ درصد و ۶ درصد کاهش نشان می دهد، زیرا ذخایر و منابع جدید و کافی و قابل دسترسی نیستند. (Fortune, 15 March 1991, p. 52) همین طور استفاده از نیروی اتمی برای برای تولید انرژی نیز موفقیت آمیز نبوده است.

3-U.S. Policy in the Persian Gulf, o.o.A.

4-Middle East Focus (Canada's Magazine on the Contemporary Middle East) Vol. 12, No. 3, Fall 1990, p. 3.

See also: Peter Aleam Economic, March 1991, Vol. 58, No. 3,

London, p. 4-

به تنهایی شش برابر آمریکا ذخایر کشف شده نفت دارد.^۱ در حالیکه پیش بینی می‌شود نفت سایر نقاط جهان ۱۸ سال دیگر پایان پذیرد، انتظار می‌رود منابع نفتی خلیج فارس تا یکصد سال دیگر دوام بیاورند.^۲

۲- يك انگیزه مهم آمریکا از قدرت نمایی در منطقه نشیمنان دادن " خواست " و " توان " حمایت از وابستگان خوداست. آمریکا بدین ترتیب می‌خواهد شکستها و تحقیرهای گذشته را که با پیروزی انقلاب اسلامی به او ج خود رسید جبران کند و چهره و موقعیت مخدوش " ابر قدرتی " خود را ترمیم نماید.^۳

۳- يك انگیزه دیگر آمریکا برای قدرت نمایی در منطقه خلیج فارس زدودن آثار شکستهای پیاپی این کشور در درگیریهای متعدد از جنگ کوه گرفته تا ویتنام و تحقیر در مقابل " انقلاب اسلامی ایران " از اذهان مردم آمریکا و باز گرداندن اعتماد به نفس آنها می‌باشد.

۴- تغییر در وضعیت کلی منطقه ، تغییر در سیاست آمریکا را نیز ایجاب می‌نمود. آمریکا که بر اساس دکترین نیکسون مبنی بر تعیین " ژاندارم " در جهان سوم نزدیک به يك دهه توانست بر منطقه اعمال کنترل کند.^۴ در دهه هشتاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دیگر نمی‌توانست برای این دکترین اعتماد کند و بنابراین حضور نظامی مستقیم و اعمال قدرت و به کارگیری دیپلماسی " قایقهای توپدار " برای سلطه بر منطقه می‌بایست جایگزین استراتژی تعیین " ژاندارم " می‌شد. این تغییر سیاست در حقیقت با صدور بیانیه سال ۱۹۸۰، کارتر (دکترین کارتر) و همین‌طور دستور تشکیل نیروهای واکنش سریع آغاز

۱- خلیج فارس و مسایل آن ، همان کتاب ، صفحه ۱۲۰.

۲- کسینجر می‌گوید: ۰۰ تا مین نفت از جمله دلایل اصلی حضور نظامی آمریکا در منطقه است اما از آن مهم تر جنگ ما بر سر این منطقه است (روزنامه اطلاعات، ۲۶ ابانماه ۱۳۶۹).

۳- کسینجر می‌گوید: اگر ما به جنگ عراق نرویم، اهداف خود را زیر سوال می‌بریم در این صورت فاتحه نقش آمریکا در خاورمیانه را باید خواند، زیرا دول افراطی عرب بر سرتاسر جهان عرب مسلط خواهند شد (روزنامه اطلاعات ۲۶ ابانماه ۱۳۶۹).

۴- اقیانوس هند در سیاست جهانی، لاریو، بارمنیان کلارک، ترجمه زیر نظر دکتر همایون الهی، نشر قومس، ۱۳۶۹، صفحه ۱۳۱.

شد. ^۱همزمان با آن البته امریکا سیاست ایجاد "کمربند امنیتی" در منطقه با شرکت رژیمهای دوست از مصر تا پاکستان و همین طور سعی در حل مساله اعراب اسرائیل را پی گرفت. اما با توجه به ضعف توان نظامی رسیدن به این مقاصد بعید می نمود.

اما تا سالهای اواخر دهه ۱۹۸۰ طرح رفع توانانیهای نظامی برای حضور مستقیم در مناطق مختلف جهان و از آن جمله خلیج فارس تا حدودی به نتایج مثبت رسید. انواع خودروهای جدید دریایی - هوایی - زمینی به منظور حمل و نقل تسلیحات و نیروهای نظامی و تدارکات وارد سرویس شد. ^۲همچنین دسترسی به بنادر و سواحل بین راه به صورت پایگاههای مستقل یا اجسازه استفاده از آنها با موفقیت دنبال شد. ^۳

در حقیقت به هنگام شروع بحران کویت، سواحل جنوبی خلیج فارس، دریای عمان و دریای عرب در عمل جولانگاه و آشیانه نیروهای غرب و بخصوص امریکا بود. ارتش عمان با بافت و فرماندهی انگلیسی خود، حضور نظامی امریکا در مصیره و برخی جزایر دیگر، وجود پایگاه و سیستمهای هدایست کننده در مدخل تنگه هرمز (در جزایر شبه جزیره مسندام)، حضور نظامی در بحرین و حضور در عربستان سعودی و کویت و حتی ترکیه همه حاکمی از آن بود که امریکا در پایان دهه ۱۹۸۰ مشکلات آغاز آن دهه در رابطه با حضور نظامی مستقیم در منطقه را به حد اقل رسانیده است و بنابراین زمان اجرای سیاست "حضور مستقیم نظامی" بجای اجرای سیاست "تعیین ژاندام" به هنگام آغاز بحران کویت کاملا فراهم آمده بود.

1- Ahrari Mohammed E: Iran and The Superpowers in the Gulf, in: SAIS Review, Vol, 7 Winter-Spring 1987, p. 161. Also: Gulf Security into the 1980, O.O.A. p. 5.

۲- مراجعه شود به کتاب: نیروهای واکنش سریع امریکا همان کتاب. همین طور مقایسه شود:

Middle East Report, November- December

3- SAIS Review Vol, 7, O.O.A. p. 161

توان نظامی می‌توانست نه تنها سیاست نفتی، و قیمت گذاری آنرا تحسنت تاثیر قرار دهد بلکه به عنوان يك قدرت مسلط منطقه‌ای در آید و منافع قدرتهای خارجی در منطقه را به خطر اندازد.^۱ البته در این راه نیروی نظامی عراق نمی‌بایست کاملاً نابود شود بلکه باید تا آن حد تضعیف شود که "توازن ضعف" در منطقه حفظ شود.^۲

زیرنویس صفحه ماقبل

5- Tispatch, o, o, A. January 14. Vol. 2, No. 2, p, 17:
Secretary Baker, January 11, 1991, Remarks Made to U.S.
Troops during a visit to Saudi Arabia.

در این سخنرانی بکر می‌گوید که ما خطر مسلمی را علیه منافع امریکایی و دوستانمان مشاهده می‌کنیم اگر امروز نتوانیم جلوی این خطر را بگیریم فردا بیا غیر ممکن خواهد بود و یا به هزینه زیاد باید با آن خطر روبرو شویم.
در ضمن در این خصوص مراجعه شود به: Aussen Politic, o, o, A, p, 59.

1- Dispatch, o. o. A. , January 28, 1991, Vol, 2, No. 4. p. 53:
President Bush: Address at the reverve Officers
Association annual dinner Washington D.C. January 23, 1991.
مقایسه شود: Dispatch. o. o. A, December 3, 1991, Vol. 1, No, 14:
President Bush: Opening Statment at a White House
News Conference, Washington. D.C. November 30, 1991.
p, 295.

در این سخنرانی (نظیر بسیاری از سخنرانیها) بوش از خطر دستیابی به تسلیحات اتمی توسط صدام و سپس تسلط بر نفت و در نتیجه توان فشار به غرب صحبت می‌کند و می‌گوید دولت امریکا به این نتیجه رسیده است که اگر در این مرحله عمل کند هزینه آن کمتر از عمل در آینده است. او می‌گوید اگر در این مرحله عراق را متوقف و تضعیف نکنیم در آینده مساله و رای تنها از دست رفتن خلیج فارس خواهد بود، حتی در اروپا ممکن است دچار دردسر شویم، باید به جهانیان نشان داد که قدرت اعمال صلح را در دوران بعد از جنگ سرد داریم.

2- Dispatch. o. o. A, February 4, 1991, Vol, 2, No, 5:
Persian Gulf War: Supporting a Noble Cause President
Bush: Excerpts from an address before The National
Religious Broadcasters Convention, Sheraton
Washington Hotel, Washington .D.C, January 29, 1991.

بوش در این سخنرانی می‌گوید: ... اجا زه‌بدهید اضافه کنم ... مانمی خواهیم عراق در آن حد تضعیف شود که خودش هدف تجاوز قرار گیرد ...

۵- با توجه به وجود توانهای بالقوه رهایی بخش، بسیار مهم است که از شکوفایی این توانها جلوگیری می‌شود. به عبارت دیگر نباید اجـــــــازه داد " رژیم " یا " رژیمهایی " در منطقه آنقدر قدرت بیابند که بتوانند مناقع قدرتهای خارجی مسلط بر منطقه را به خطر اندازند.^۱ مفهوم این هدف چیزی است که من آن را " توازن ضعف " نام نهاده‌ام.^۲ براین اساس ماشیـــــــن جنگی عراق که در طی جنگ علیه ایران با حمایت امریکا و سایر دول غربی و عربی مجهز شده بود.^۳ و روند پیشرفت آن بعد از خاتمه جنگ علیه ایـــــــران نیز متوقف نشده بود.^۴ ، می‌باید تضعیف شود.^۵ زیرا بغداد با استفاده از این

۱- از جمله می‌توان به مصاحبه معاون رییس جمهور امریکا اشاره کرد:

Dispatch, U.S. Department of State, Bureau of Public Affairs, Vol, 2, No 2, January 14, 1991, pp. 26-29: Vice President Quayle Address to the Los Angeles World Affairs Council, Los Angeles, California, January 8, 1991.

۲- دکترین توازن ضعیف : نویسنده که ارائه و گسترش این دکترین را در طی دو سال گذشته پی گرفته است معتقد است برخلاف سیاست " توازن قـــــــوا " که حد قدرت مهم نیست فقط تعادل و برابری در آن مهم است، در سیاست " توازن ضعف : حد معینی از قدرت نظامی مورد نظر است (به مفهوم قدرت زیاد و یا کم نیست) که دولتهای مورد نظر باید در همان حد معین باقی بمانند. این حد معمولاً " می‌تواند در حد توان سرکوب جنبشهای داخلی و حفظ وضع موجود باشد و یا می‌تواند در حد تعادل توا در یک منطقه معنی دهد.

3- Middle East Report Nov.-Dec. 1990.p.15.

۴- در خصوص کوششهای صدام برای گسترش توان اتمی و شیمیایی و خطر آن برای آینده غرب از جمله به ماخذ زیر مراجعه شود.
Time , December 10, 1990, pp, 24-25.

جالب توجه است که با وجود قرار داد عدم تحویل تکنولوژی اتمی بین کشورهای عضو سازمان ملل متحد عراق توانسته است به کمک کشورهای صنعتی صاحب تکنولوژی مربوطه به آن دسترسی یابد برای ملاحظه قرارداد مزبور مراجعه شود به :

Dispatch , o.o.A., January 7, Vol.2.No.1, 1991, p, 12.

بنظر می‌آید غرب بیشتر نگران آن است که این تسلیحات و از جمله تکنولوژی ساخت و پرتاب موشک بعداً " ممکن است در دست دولتهای انقلابی منطقه قرار گیرد و منافع غرب را تهدید نماید.

۵- در صفحه بعد

۶- یکی از نگرانیهای همیشگی قدرتهای سلطه گر و از آن جمله آمریکا احتمال اتحاد بین کشورهای منطقه می باشد.^{۱۰} این نگرانی بخصوص پس از خاتمه جنگ عراق علیه ایران و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس شدت گرفت، زیرا با توجه به ساختار اسلامی^۲ منطقه شانس یگانگی ملل این حوزه بسیار بالاست و این اتفاقی است که اگر واقع شود منافع قدرتهای خارجی را در منطقه شدیداً " به خطر می اندازد، آمریکا بنا بر این، هدف خود را ایجاد بی ثباتی در منطقه قرار داده است تا اولاً " از یگانگی دولتهای اسلامی جلوگیری کند و ثانیاً " در سایه بی ثباتی به اختلافات محلی دامنه زده و استمرار حضور خود را در منطقه توجیه نماید.^۳

۷- با حضور نظامی مستقیم در منطقه حمایت از رژیمهای مرتجع منطقه و اسرائیل از یک سو و از سوی دیگر سرکوب جنبش های اسلامی برای

بقیه زیر نویس از صفحه ماقبل،

مقایسه شود: کسینجر نیز معتقد بود که " آمریکا هیچ منفعی در تضعیف عراق به حدی که به یک هدف وسوسه انگیز برای همسایگان طمعکار تبدیل شود ندارد. ما نمی توانیم از کشور دیگری - سوریه یا ایران - برای استیلا بر منطقه خاورمیانه دعوت کنیم اگر چنانکه ناپذیر است نباید به قیمت نابودی عراق باشد. (باید) قابلیت عراق به تهدید ۰۰۰ گاهش یابد، " : روزنامه اطلاعات، ۲۶ آبانماه ۱۳۶۹.

۱- حتی در زمان ریاست جمهوری ریچارد نیکسون نیز این نگرانی صریحاً " بیان شده است و در سالهای اخیر نیز به دفعات تکرار گردیده است، مقایسه شود: U.S.Congress, House, Committee an Foreign Affoits, Subcommittee on the Near East and South Asia, U.S. Interests in and Policy Toward the Peraion Gulf, Heardag 92 nd Cong.:2nd Sess. February and August 1972, p.142.

2-Gulf Security into 1980s, O.O.A., p.38

۳- حتی اگر آمریکا آن طور که مدعی است بدنیاال حفظ ثبات، منطقه است، این مغایر است با به کارگیری نیروی نظامی زیر استفاده از نیروی نظامی می تواند عکس العمل منطقه ای یا جهانی را برانگیزد و باعث بی ثباتی در منطقه شود، مقایسه شود:

Petroleum Economic, London, March 1991, Vol.No.3, p.4.

امریکا آسان تر انجام می‌شود.^۱

۸- امریکا با این نمایش قدرت نظامی سعی دارد ظاهر و موقع " ابر قدرت " خود را در منطقه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در هم شکسته شده بود ترمیم نماید.^۲ و نشان دهد که درخواست سلطه بر منطقه جدی است.^۳ همین طور امریکا می‌خواهد نشان دهد که در جبهه کشورهای صنعتی غرب مصرف کننده نفت و متکی به دریا، اتحاد نظامی در دوران بعد از جنگ سرد لازم و مفید است و کارآیی خود را حفظ نموده است.^۴

۹- در کنار نمایش قدرت بیگانگی و همبستگی در جبهه استکبار امریکا می‌خواهد رهبری خود بر کشورهای صنعتی غرب را تثبیت نماید. بوش رییس جمهور امریکا در مصاحبه‌های متعدد نیز به این رهبری امریکا اشاره نموده است. اما ابزاری که امریکا برای ادامه رهبری خود بر بلوک غرب می‌تواند داشته باشد، تسلط بر منابع نفت و گاز منطقه خلیج فارس می‌باشد. حتی شوروی را می‌توان از این طریق تحت فشار قرار داد.

وقایع سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ که منتهی به تحولات بنیادی در روابط دولتهای اروپایی و حتی اتحاد دو آلمان شد، بیانگر آن بود که دیگر امریکا نمی‌تواند به بهانه خطر " شو روی " که حضور خود در اروپای غربی و سلطه بر کشورهای این منطقه را توجیه کند. بعلاوه جنبش اروپای ۱۹۹۲ نیز می‌رود

۱- به عنوان مثال وجود شهرکهای نظامی در عربستان و ترکیه می‌تواند در این راستا بکار رود. در طی بحران کویت، امریکا ساخت یک شهرک نظامی جدید در بخش شیعه نشین شرقی عربستان را آغاز نموده است. هدف اصلی حضور و کنترل جنبشهای اسلامی در این بخش نفت خیز است.

2- Seeofo: Current History February 1988, PA52- 53.

3- See afao: Middle East Report, November- December, 1991 p.11.

4- Current History, O. O, A.
Dispatch. O. O. A. January 7, 1991, Vol, 2, No, 1, p, 8.

تایک بلوک قوی و منسجم را در مقابل امریکا (ویا حداقل در کنار امریکا) پایه گذارد، در چنین جوی مسلماً " برای رهبری امریکا جای وسیعی وجود نخواهد داشت. اما "اروپا متحد" برای ادامه حیات خود در وهله نخست به منابع نفت و گاز منطقه خلیج فارس و در وهله دوم به بازارهای منطقه و با لایحه به دسترسی بدون وقفه راههای تجاری دریایی متکی است، حضور و سلطه نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس در حقیقت این سد مورد حیاتی برای اروپای متحد را بطور کامل در اختیار امریکا قرار می‌دهد. اروپا برای ادامه حیات خود در آن حالت باید رهبری امریکا را بپذیرد. این امریکا خواهد بود که روند تصمیمات اروپای متحد را دیکته خواهد کرد و یا حداقل جهت خواهد داد.

۱۰- آنچه در رابطه با روابط امریکا و اروپای متحد گفته شد در مورد روابط این کشور با ژاپن نیز صادق است.^۱

۱۱- پیمان نظامی ناتو یکی از ابزارهای سلطه امریکا در اروپا بوده است. پایان یافتن دوران " تنشج در اروپا " ادامه حیات این سیستم سلطه را غیر قابل توجیه نموده است. اروپا که به سمت استقلال و یافتن هویت گمشده خود (که بعد از جنگ جهانی دوم از دست داد) می‌رود، اکنون نمی‌خواهد این سیستم نظامی تحمیلی را به صورتی که هست حفظ کند. مسلماً " اروپا در جستجوی ایجاد تحول در آن است. ناتو باید بجای تاکید بر سلاحهای هسته‌ای (که مربوط به دوران جنگ سرد بود) بر تسلیح نیروهای خود با سلاحهای متعارف پیشرفته تغییر تاکتیک بدهد. در چنین حالتی حضور

1-Fortine May6, 1991, Special Report, pp. 38- 44.

۲- در هفته آخر نوامبر ۱۹۹۰ (۳۰ آبانماه ۱۳۶۹) سی چهار کشور اروپایی اعضا، پیمانهای نظامی ورشو و ناتو در پاریس در کنفرانس " امنیت و همکاری اروپا "

(The Conference on Security and Cooperation in Europe)

گرد آمدند و با امضاء موافقت نامه‌ای در واقع منشور اروپای جدید " را امضا نمودند که طبق آن باید گفت خاتمه جنگ سرد اعلام شده است.

موثر امریکا در ناتو یا یک سیستم نظامی جایگزین^۱ آن از ضروریات نخواهد بود بنابراین امریکا باید سعی نماید پیمان نظامی را در ساختار فعلی آن حیاتی جلوه دهد.^۲ خلیج فارس تنها منطقه‌ایست که با ایجاد بحران ویا سلطه بر آن امریکا می‌تواند احساس نیاز به حمایت و همکساری را در متحدان رقیب (اروپا و ژاپن) زنده نگهدارد و برای ناتو وظیفه جدیدی را عرضه کند.^۳ که در آن رهبری امریکا همچنان محفوظ بماند.^۴

۱- یک انگیزه مهم دیگر برای امریکا در شعله ور نمودن جنگ در منطقه، ملاحظات اقتصادی بود.

امریکا که از سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) به بعد دچار رکود اقتصادی بوده است.^۵ همچنان در سراشیبی سقوط گام برمی‌دارد.^۶ پایان یافتن جنگ سرد و جنگ

۱- شاید اولین فکر آن باشد که پیمان نظامی ناتو منحل شود. اما با توجه به نظامیگری کشورهای اروپایی و تاریخ سلطه جویی آنها مسلماً "وجود یک پیمان نظامی نظیر ناتو به عنوان حلقه اتصال دوستان نامطمئن و به عنوان یک ابزار کنترل نظامی متقابل بین کشورهای اروپایی می‌تواند مفید باشد."

۲- برای سوابق کوشش امریکا در رابطه با گسترش وظایف ناتو به خلیج فارس مراجعه شود به:

-U.S.Congress, Senate, Committee on Armed Services, Military Procurement Supplemental Fiscal year 1974, Hearings on S-2999, 93rd Cong., 2nd sess., March 1974, p.55.

-Pavel Bayer, The Gulf from The impasse of Confrontation to The Political Alternative: HPAPH, Moccow 1988, p.30.

-Current History, February 1988, p.52.

۳- در سندی که به مناسبت تصمیم ناتو به اعزام نیرو به خلیج فارس تهیه شده آمده است:

۰۰۰ سوم؛ بکارگیری نیروی ناتو تایید کننده اهمیت و تاثیر پیمان در دوران بعد از جنگ سرد است.

Dispatch, O.O.A., Vol2, No, 1, January 7, 1991, p.3.

4- Current History, February.

5- Time, September 10, 1990, p.23.

۶- مقایسه شود: روزنامه اطلاعات، ۲۶ اذر ماه ۱۳۶۹.

مقایسه شود: فروش خارجی امریکا در آخر سال ۱۹۹۰ به مبلغ ۴۷۲،۶۸۸،۵۱۲،۲۱۴ دلار رسیده است (وزن آن برابر سه میلیون تن دلار کاغذی می‌شود):
Time, September 10, 1990, p.23.

عراق علیه ایران بازار تسلیحات را دچار خطر رکود نمود و این امر باز هم بمر سرعت رکود اقتصادی میافزود. آمریکا (و کشورهای صنعتی) با دامن زدن به بحران کویت و ایجاد جنگ‌نه تنها در توسعه بازار تسلیحات موفقیت چشم‌گیری داشته‌اند.^۱ بلکه آمریکا با تحمیل هزینه جنگ‌بر متحدان خود نظیر عربستان سعودی، کویت، ژاپن و اروپای غربی مبلغ عظیمی را تحمیل نموده است که با هزینه نمودن آن آمریکا امیدوار است رکود اقتصادی متوقف شود.^۲ همین‌طور رهبران کشورهای صنعتی امید دارند با دامن زدن به آشوب جنگ‌و ویرانی شهرها و صنایع، چاه‌های نفت و اسکله‌ها بتوانند تحسنت عنوان شرکت در بازسازی، به اقتصاد در حال رکود خود تحرك ببخشند.^۳ امپریالیسم در طول حیات خود همیشه توانسته است با ایجاد بحران و جنگ

۱- تنها بودجه نظامی عربستان سعودی در سال ۱۹۹۰ حدود ۷/۸ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و به ۱۴ میلیارد دلار رسید. (روزنامه اطلاعات ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۶۹).

۲- بوش رییس‌جمهور آمریکا در يك سخنرانی در توجیه سیاست خارجی آمریکا در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱ می‌گوید: «در سال ۱۹۹۰ دوستان ما بخش اعظم هزینه "سپهر صحرا" را تامین کرده‌اند. این دوستان برای سه ماه اول سال ۱۹۹۱ تقبل نموده‌اند ۴۰ میلیارد دلار به امریکا بدهند».

Dispatch, O.O.A., February 4, 1991, Vol, 2, No. 5, p. 66.

دولت بوش بعد از خاتمه جنگ اصرار دارد که عراق باید به کویت غرامت بپردازد اما از آنجا که عراق هم اکنون حدود يك صد میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و برای بازسازی کشور به منابع مالی جدید نیز نیاز دارد مسلم است که نمی‌تواند این غرامت را بپردازد. آمریکا پیشنهاد نموده است که کنترل نفت رمیله، یا گرفتن ده سنت از هربشکه نفت صادر ائی عراق یا تصاحب بخشی از ذخایر و سرمایه‌های عراق را در مقابل غرامت به امریکا داده شود. از این طریق امریکا می‌خواهد کنترل بر منابع عراق را برای دراز مدت در اختیار گیرد:

U.S. News & The World Report .Special Issue, 0 March 11, 1991, p, 21.

۳- گفته می‌شود کویت برای پرداخت ۲۰ میلیارد دلار سهم خود در جنگ مجبور شده است بخش مهمی از داراییهای خارجی همین‌طور از آن جمله سهام "دایمیلر بنز" خود را بفروشد: روزنامه اطلاعات ۱۲/۲۲/۱۳۶۹، مقایسه شود:

Fortune, March, 25, 1991, p, 40

بحرانهای اقتصادی خود را برای مدتی رفع نماید.^۱

عمل و عکس العمل

در تاریخ ۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰) پس از چند هفته تهدید و مذاکره با لآخره عراق نیروهای خود را وارد کویت نمود. خانواده آل صباح کشور را ترک نموده و به عربستان پناهنده شدند. در کشورهای همسایه عراق این نگرانی به وجود آمد که آیا عراق بادیستیایی به منابع مالی ذخایر نفتی و سواحل کویت در رأس خلیج فارس تجاوز خود را محدود به کویت خواهد نمود؟ در این نگرانی کشورهای صنعتی نیز شریک بودند. امریکاییان و متحدان غربی وی که دنبال بهانه برای حضور مستقیم نظامی در منطقه بودند، سعی نمودند از فرصت به دست آمده استفاده نموده و از طریق سازمان ملل متحد به حضور و دخالت نظامی خود در منطقه جلوه قانونی دهند. در این راستا شورای امنیت سازمان ملل متحد یک سری قطعنامه در موضوع بحران صادر نمود^۲ که در دوازدهمین قطعنامه با لآخره توسل به هر اقدامی که برای بیرون راندن عراق از کویت لازم باشد را مورد تصویب قرار داد.^۳ در این قطعنامه که در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ به تصویب رسید، به عراق ۴۵ روز فرصت داده شد تا نیروهای خود را بدون قید و شرط از کویت خارج کند. ظاهراً این فرصت برای آن بود که صدام حسین

۱- گفته می شود بازسازی کویت بین ۴۵ تا ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. تا تاریخ مارس ۱۹۹۱ دولت کویت حدود ۲۵۰ قرار داد با کشورهای خارجی (۷۰ درصد آن با امریکا) در رابطه با بازسازی کویت بسته ارزش ۸۰۰ میلیارد دلار امضاء نموده است. تنها خاموش کردن چاههای نفت کویت يك میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. Fortune, March 25, 1991, p. 56. ۲ قطعنامه های شماره ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۷. ۶۷۸ از دوم اگوست تا ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰ توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شده است.

۳- دوازدهمین قطعنامه شورای امنیت یعنی قطعنامه شماره ۶۷۸، در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر شد که در آن به کشورهای که با کویت همکاری می کنند اجازه داد چنانچه عراق قبل یا تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ خاک کویت را ترک ننمود هر اقدامی را که لازم می دانند به عمل می آورند. این قطعنامه با ۱۲ رای مثبت، ۲ مخالف (کوبا و یمن) و یک رای ممتنع (چین) به تصویب رسید.

آبرومندانه بتواند از کویت خارج شود^۱ اما در واقع غرب برای تکمیل صف آراییی خود در منطقه و در عین حال ارائه ژست صلح جویانه به ایسن فرصت احتیاج داشت.^۲

دو برنده يك بحران

تا تاریخ ۱۶/۱/۱۹۹۱ یعنی هنگام آغاز جنگ، اگر طرفین به راه حل سیاسی به جای جنگ دست می‌یافتند، بحران کویت به راستی دو برنده داشت و هر دو بازیگر اصلی به طور نسبی به اهداف خود دست یافته بودند: عراق نمایشی از قدرت عرضه داشت و با ایجاد چهره ضد امریکایی برای خود می‌توانست بر محبوبیت خود در جهان عرب بیافزاید این به نوبه خود وی را در رسیدن به هدف رهبری اعراب کمک می‌کرد. امریکا نیز در این مرحله بسیاری از اهداف مهم خود را تحصیل نموده بود. قبل از هر چیز "توان و خواست" کمک به دولت‌های متکی به خود را هنگام بحران به نمایش گذاشته بود و به این ترتیب خاطرات ضعف‌های گذشته و عدم اطمینان دولت‌های منطقه را از ذهن دور نموده بود. در عین حال امریکا با نمایش "توان بازدارندگی" چهره ابر قدرتی خود را ترمیم می‌نمود و در این راستا می‌توانست ژاپن و اروپای غربی را نیز تحت تاثیر قرار دهد و نیاز به يك اتحاد تحت رهبری امریکا را که قدرت "بازدارندگی" بدون "ریسک جنگ" دارد را به آنها به قبولاند. مسلماً امریکا در آن صورت تاثیر مثبت تری بر افکار عمومی جهان داشت و بر چسب تجاوز کاری و توسعه طلبی مجسسد بسمه او

- ۱- شوروی مدعی بود که این فرصت چهل و پنج روزه با کوشش آن دولت بسمه عراق داده شده تا صدام در جوی مساعد بتواند از کویت خارج شود.
- ۲- حمل و نقل نیرو و تجهیزات به فرصت کافی نیاز داشت به علاوه با درپیش بودن ایام جشن کریسمس و سال نو، به نظر می‌رسد ماه دسامبر برای شروع عملیات ماه مناسبی نباشد و بهتر است در پایان این جشن‌ها و در سال جدید میلادی این عملیات آغاز شود.

زده نمی‌شد^{۱۰} از نظر اقتصادی نیز به طور نسبی اهداف بسیاری قابل دسترسی بودند.

دوبازنده بحران

عراق در فرصت تعیین شده نیروهای نظامی خود را از کویت خسارج نکرده و در نتیجه حملات نیروهای متفق با بهره‌گیری از توان هوایی در ساعت دووچهل دقیقه به وقت محلی در روز ۱۶ ژانویه ۱۹۹۱ شروع شد. با توجه به جریاناتی که گذشت به جرات می‌توان گفت این جنگ دوبازنده داشت و هر دو بازیگر اصلی بیشتر از آنچه به دست آوردند، از دست دادند، رژیم عراق که فریاد مبارزه با آمریکا و اسرائیل را سر داده بود و با تاکید بر قدرت نظامی خود، از به راه انداختن حمام خون به هنگام آغاز جنگ زمینی سخن می‌گفت، در زمان موعود نیروهایش بدون مقاومت جدی تسلیم شدند. شکست سریع عراق نشان داد که رژیم عراق یا از برآورد توان نظامی خود و دشمن عاجز بوده و یا

۱- نویسنده این مقاله تا قبل از آغاز حملات نیروهای متفق علیه عراق در چندین مصاحبه تلویزیونی که با برنامه میزد گرد شبکه دوم به عمل آورده بود اظهار نمود که طرفین بر اساس منطق نباید به جنگ بروند و بنابراین جنگ شروع نخواهد شد، جالب توجه است که تقریباً " همه صاحب نظران و مقامات سیاسی جهان نظیر شوارتز نادزه (وزیر امور خارجه وقت شوروی) و تقریباً " همه مشاورین بوش رییس جمهور آمریکا نیز به این امر معتقد بودند که آمریکا از شروع جنگ منافع بیشتری به دست خواهد آورد. این فقط بوش بود که به تنهایی ریسک رفتن به جنگ را تقبل نمود و جنگ را آغاز کرد. هر چند جنگ خیلی ارزان تر و زودتر از آنچه انتظار می‌رفت به نفع نیروهای متفق تمام شد ولی چند هفته پس از پایان جنگ مشخص شد که مسایل بعد از جنگ ناشی از این درگیری، سیاست خارجی آمریکا را به لبه ورشستگی کشانده است. از هم اکنون می‌توان غلط بودن تصمیم بوش برای شروع جنگ را تایید کرد. در خصوص کوشش بوش در سد نمودن راه حل مسالمت آمیز مراجعه شود به:

-Dispatch.O.O.A., Vol2, No,2, January, 14, 1991, p, 25.

-Daily Report, FBIS-NES-90-006, 9 January 1991, p, 30.

با خیانت وتبانی با آمریکا^۱ منطقه را به جنگی کشانده که اولاً " خرابیهای ناشی از آن چندین صد میلیار دلار است و در ثانی حضور نیروهای بیگانه را در منطقه ممکن نموده است. در هر دو حالت - جهالت یا خیانت - صدام حسین نشان داد که صلاحیت رهبری اعراب (حتی عراق) را ندارد .

از نظر اقتصادی وضع عراق بسیار پیچیده تر و مشکلتر از قبل از حمله به کویت است . در مجموع شعارهای صدام حسین که برای لحظه‌ای دردل ملل عرب بارقه امید رهایی به وجود آورده بود^۲ با شکست مفتضحانه وی به ناامیدی و احساس ناتوانی شدید تبدیل شد و وضعیتی که برای آینده مردم منطقه می‌تواند بسیار خطرناک و ویرانگر باشد .

اما جنگ برخلاف ظاهر پیروزمندانه‌ای که آمریکا و متحدانش سعی نمودند به آن بدهند ، برای امریکانسانی از ضعف بود . قبل از همه سعی آمریکا در ترمیم تصور ابر قدرتی این کشور برای همیشه با شکست روبرو شد . یسک ابر قدرت به مفهوم قدرت برتر باید " توان بازدارندگی " داشته باشد . بایسک قادر باشد با استفاده از دیپلماسی قایق توپدار " بدون آتش کردن " جسدی توپها به اهداف خود برسد . اگر کشور کوچکی چون عراق داعیه و امید برابری و دزم آوری با آن را در سر به پروراند مفهومش آن است که آمریکا قسدرت بازدارندگی ندارد . آمریکا ممکن استدارای قدرت نظامی قوی باشد ولی ایسک

۱- نویسنده مقاله در مصاحبه خود با تلویزیون ایران به هنگام آغاز بحران بیان داشت که آمریکا با دادن چراغ سبز برای شروع عملیات صدام را بازی داده است . این برداشت نویسنده بعداً " تایید شد . در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۹۱ (سوم فروردین ۱۳۷۰) خبرگزاریها گزارش دادند که قبل از شروع حمله نظامی عراق به کویت ، سفیر آمریکا در بغداد به مدت دو ساعت با صدام حسین ملاقات محرمانه داشته است که طی آن سفیر آمریکا اطمینان داده بود که کشورش نظر خاصی نسبت به اختلاف عراق با کویت ندارد .

۲- صدام حسین بعد از حمله به کویت سعی نمود چهره عربی اسلامی به اقدامات خود بدهد . او تا انجای پیش رفت که با لآخره پس از آغاز حمله هوایی نیروهای متفق به بغداد طی یسک نطق تلویزیونی اعلام داشت : " عراق این جنگ را که مادر همه جنگها است ادامه خواهد داد .

The Illustrated London News, Spring 1991, p. 11.

Daily Report, Near East & South Asia, همین طور مقایسه شود :
9 January 1991, p. 26.

جنگ نشان داد که این کشور يك " ابر قدرت " نیست. به علاوه این بحران نشان داد که امریکا با وجود ده سال برنامه ریزی و انبار کردن تجهیزات نظامی در منطقه طی سالهای گذشته از درگیری مستقل و مستقیم وحشت داشت و بنابراین سعی نمود ۲۷ کشور دیگر را نیز در کنار خود به جنگ به کشاند.^۱ امریکا در پاناما و گرانادا و ۰۰۰ بدون تصویب يك ارگان بین المللی و بدون کمک دیگران اقدام نمود زیرا در آنجا دچار وحشت نبود.

نه تنها این نیروهای بسیار مجهز و مدرن^۲ متفق که مقامات امریکایی قول داده بودند جنگ را در مدت کوتاه و چند روزه به پایان خواهند رساند مجبور شدند نزدیک به ۶ هفته نبرد نمایند تا پیروز شوند.^۳ مسلما " اگر ارتش عراق به سلاح ایدئولوژی مسلح بود، نیروهای منفق هرگز نمی توانستند به آن فایق آیند و یا اگر چند کشور عربی منطقه با امریکا از در مخالفت می آمدند مسلما " سرنوشت جنگ می توانست چیز دیگری باشد. در مجموع مهمترین هدف امریکا که ظهور مجدد در منطقه به صورت يك ابر قدرت بود، در هم فرو ریخت و ناتوانی امریکا برای کمک به دوستان متکی به وی پیشش هویدا شد. این امر مسلما " بزودی آثار خود را در منطقه بروز خواهد داد.

- ۱- برای حجم کمکهای مالی به امریکا توسط کشورهای دیگر مراجعه شونده:
 -Time ,December , 24, 1990, pp.22-23.
 - Fortune, March 25 , 1991, p.32.
- 2- Time December 10, 1990, pp.18-23.
 -Maclean's : Canada's Weekly News Magazin 15 February 1991, p.14.

۳- نیروهای متفق در مورد موفقیت بمباران هوایی اغلب اطلاعات متناقص و غلط منتشر می نمودند. کل سیستم خبرگیری و گزارش جنگ تحت سانسور شدید و تهدید کننده بود. اخبار همگی يك جانبه و به نفع نیروهای مهاجم بود. حتی پس از خاتمه جنگ نیز آمار صحیح خسارات و تلفات متفقین منتشر نشد.

تحولات پس از اعلام آتش بس موقت

- ۱- موقعیت جدید امریکا : پس از درهم پاشیدن سیستم دفاعی عراق، نیروهای متفق(امریکا) به سرعت خاک کویت و قسمتهایی از جنوب عراق را اشغال نمودند. درحقیقت کل عملیات زمینی حدود يك صـد ساعت به طول انجامید. رفتار امریکا پس از اعلام آتش بس موقت دارای چند خصوصیت بود :
 - سلطه جویی کامل بر عراق و تکمیل کمربند امنیتی^۱.
 - وحشت از درگیری نظامی در عراق.
 - دور نگه داشتن سایر کشورهای رقیب(نظیر انگلستان و فرانسه) از صحنه عراق.
 - جلوگیری نمودن از وقوع انقلاب اسلامی در عراق.
 - حفظ رژیم تضعیف شده صدام

امریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سیاست ایجاد یک کمربند امنیتی که بتواند از ترکیه تا پاکستان را دربرگیرد را دنبال می‌کرد. در طی دهه ۱۹۸۰ کوشش‌ها در این خصوص موفقیت چشم‌گیری نداشت.^۲ اکنون پس از بحران کویت این فرصت برای امریکا پیش آمده بود که با تسلط بر عراق این کمربند امنیتی را تکمیل نماید. اما امریکابه خوبی می‌دانست اگر بخواهد از نیروهای نظامی خود برای تسخیر عراق استفاده نماید ریسک ایجاد ویننام دیگری را باید تقبل کند. به‌علاوه تحمل چنین ریسکی را می‌بایست به تنهایی بردوش بکشد زیرا نه متحدین غربی و نه عربی هیچ کدام حاضر نبودند در این خصوص از امریکا حمایت جدی به نمایندند. به نظر می‌آید که امریکا نیز مایل نبود اقدامی نماید که موجب گسترش نفوذ کشورهایمانند فرانسه و انگلستان در منطقه شود. به علاوه هجوم نظامی مستقیم و فوری امریکا به خاک عراق می‌توانست به " صدام حسین" چهره يك قهرمان ضد امریکایی را بدهد و تنفر بیشتر مردم را علیه امریکا برانگیزد. این چیزی است که امریکا خواهان آن نیست زیرا دولت امریکا می‌خواهد چهره

۱- خلیج فارس و مسایل آن، همان کتاب، صفحه ۲۹۱.

۲- همان ماخذ

"فرشته نجات" را در منطقه به خود بگیرد. درکنار همه اینها تضعیف نظامی و منززل نمودن بیش از حد صدام می‌توانست منتهی به سقوط رژیم وی و روی کار آمدن نیروهای انقلابی شود که این نیز در جهت مخالف اهداف آمریکا بود.

با توجه به این محاسبات است که هرچند آمریکا بر خلاف مصوبات شورای امنیت وارد خاک عراق شد ولی از حدود معینی جلوتر نرفت و بقیه امور را به دست سرنوشت سپرد تا از وقایع بتواند بهره برداری لازم را بنماید.

در این مرحله آمریکا با تجربه امپریالیستی خود می‌دانست که اگر قیامهای مردمی را دامن بزند، صدام خسته از جنگ دچار وحشت و سردرگمی خواهد شد. در این حالت آمریکا با کمک به صدام ضعیف می‌تواند وی را به صورت یک مترسک هم‌چنان در قدرت نگهدارد.^۱ و بنابراین بدون تحمل ریسکی عظیم بر عراق تسلط یابد. با توجه به این سیاست است که بوش در سخنرانیهای متعدد خود از مردم عراق می‌خواهد که وارد عمل شده و رژیم صدام را ساقط نمایند.^۲ تحت این شرایط نیروهای مخالف در جنوب و شمال عراق (مناطق نفت خیز و ثروتمند عراق) دست به قیام زدند. شهرها یکی پس از دیگری آزاد شدند نیروهای مردمی به صد کیلومتری بغداد رسیدند. همه چیز حکایت از سقوط قریب الوقوع صدام می‌نمود. در این مرحله آمریکا به کمک صدام شتافت تا از شکست وی جلوگیری کند:

- مقامات آمریکایی که ابتدا صدام را از به کار گیری نیروی هوایی علیه انقلابیون بر حذر داشتند و حتی چند هواپیمای جنگی عراق را نیز سرنگون کردند؛

۱ گفته می‌شود آمریکا و عربستان سعودی هر دو مایل هستند "صدام ضعیف" در رأس قدرت باقی‌ماند تا از روی کار آمدن یک رژیم اسلامی و یا نیروهای عسرب پیشرو در بغداد جلوگیری شود، مقایسه شود:

-Time, September 10, 1991, p. 19.

-The Economist, March 16-22, 1991, p. 38.

-The New Republic, April 29, 1991, p, s.

2-The New Republic, O.O.A. p. 7. The Economist, O.O.A.,

Time. O.O.A, Maclean's, Canada's Weekly News Magazine 15 February 1991, p. 14.

وقتی موفقیت قیام کنندگان حتمی به نظر می‌آمد تغییر روش داده و استفاده از هیلکوپتر و حتی هواپیمای جنگی علیه مردم توسط رژیم صدام رانانیده‌گرفتند.^۱ گفته می‌شود، که برخی تجهیزات سنگین نظیر تانکهای عراقی که توسط نیروهای امریکا تصاحب شده بود و در این دوره به عراق باز پس داده شد.^۲ - برای بهبود امکانات رژیم عراق، شورای امنیت برخی تحریمهای اساسی علیه عراق را (به بهانه جنبه بشر دوستی) حذف کرد.^۳ - کاخ سفید واشنگتن با اظهارهای مکرر، ایران را از کمک به انقلابیون برحذر داشت.

رژیم عراق با توجه به این همکاریهای امریکا و متحدین توانست با جمع‌آوری باقی مانده نیروهای خود که البته هنوز رقم عظیمی بود.^۳ قیامهای مردمی را سرکوب نماید.^۴ نتیجه این رفتار آن بود که میلیونها نفر از مردم عراق از ترس اقدامات تروریستی و تلافی جویانه سربازان عراق آواره شدند و به سوی مرزهای ترکیه، ایران و کویت روی آوردند. همزمان خبرگزاریهای تحت کنترل امریکا وارد عملیات شدند و با مخابره وضع نابسامان و غیرانسانی آوارگان (که البته حقیقت داشت) زمینه مداخله به اصطلاح صلح جویانسه امریکا را در امور عراق فراهم آوردند. جالب توجه است که نیروهای امریکایی به هنگام ارسال کمک توسط هواپیما و پرتاب آن برای استفاده آوارگان، مواد غذایی رانهدر بخشهای مورد نیاز که آوارگان در آن جمع بودند، بلکه در مناطقی که خود لازم می‌دانستند فرو می‌ریختند. نتیجه آن می‌شد که جمعیت آواره به

1- The New Republic, 0,0,A, p.12.

۲- اطلاعات حاکی از آن است که حتی تا دسامبر ۱۹۹۰ (یعنی چند هفته قبل از آغاز عملیات، تحویل تسلیحات نظامی به عراق از سوی دول غربی و حتی امریکا ادامه داشته است.

۳- حداقل ۵۰ درصد نیروهای نظامی عراق سالم مانده بود. این نیروها شامل موارد زیر می‌شوند: پلیس مخفی عراق، ارتش ذخیره پانصد هزار نفری، نیروی پانزده هزار نفری گارد ریاست جمهوری و یک سوم ارتش که اصلاً وارد عملیات نشده بود:

The Economist, March 16-22, 1991, p.37.

۴- برای مطالعه رفتار امریکا و عراق در رابطه با قیامهای داخلی مراجعه شود به: The New Republic, 0.0.A. pp.20-22.

آن مناطق هجوم می‌آوردند. این مناطق مکانهایی بود که از نظر استراتژی مهم بود و امریکا درصدد استقرار نیروی نظامی در آنها بود. با استفاده از این شیوه‌ها و موقعیتها بالاخره امریکا به بهانه کمک به آوارگان راسا " تصمیم به اعزام نیروی نظامی به شمال عراق نمود.^۱ اکنون به این ترتیب " حلقه گمشده " کمر بند امنیتی در مدار قرار گرفته و از ترکیه، عراق، شبه جزیره عربستان تا دیه گوگاریسیا و فیلیپین یک خط نظامی کشیده شده که نه تنها ایران و شوروی بلکه چین و ژاپن را نیز در محاصره دارد. دریک سراین کمر بند اروپا و در انتهای دیگر نیوزیلند و استرالیا قرار دارد. کشورهایی چون پاکستان، مصر، مراکش، اسرائیل و... به عنوان تیرکهای حمایتی انجام وظیفه می‌کنند. عرض این کمر بند به این ترتیب تا آفریقا کشیده شده است. امریکا احساس می‌کند با تسلط به این کمر بند به دهدف مهم می‌تواند دست یابد: اول آنکه انقلاب اسلامی را در کنترل خود بگیرد و دیگر بر نفت منطقه تسلط یابد. امریکا مطمئن است که به این ترتیب بر سرنوشت منطقه و جهان سلطه داشته باشد، زیرا در این کمر بند به تنهایی شصت و پنج درصد نفت جهان نهفته است، مناطق مقدس مسلمانان به گروگان گرفته شده است.^۲ راههای ارتباط تجارتي جهانی در آن قرار دارد و بالاخره سه تنگه مشهور هرمز، باب المندب و مالاکا را در بر می‌گیرد.

۱- شواهد نشان می‌دهند که تحت بهانه کمک به مهاجرین کرد امریکا در نظر دارد نیروهای نظامی خود را برای مدتی نامعلوم در منطقه نگهدارد. (برنامه تلویزیون 6.3am, 16May, 1991, CKWS) - البته یکی از وظایف اصلی این نیروها گسترش فرهنگ آمریکایی و جمع‌آوری نیروهایی است که بعداً "بتوانند استمرار سلطه امریکا در منطقه را ممکن نمایند.

۲- البوکرک اولین مهاجم اروپایی به منطقه خلیج فارس در اوایل قرن شانزدهم میلادی به پاشاده پرتغال می‌نویسد برای سلطه و کنترل بر منطقه (خلیج فارس و هندوستان) باید مناطق مقدس مسلمانان را ویران کرد و حتی پیکرهای مقدس برای مسلمانان را به گروگان گرفت و به دین ترتیب بر مسلمانان تسلط یافت و آنها را کنترل نمود. امریکا امروز این توصیه را به کار گرفته است. مناطق مقدس اسلامی در عراق را ویران نموده تا به خیال خود آنچه در طی ۱۴۰۰ سال گذشته محرك ادامه حیات اسلام بوده است را نابود کند. مقدس‌ترین مناطق مسلمانان در عربستان عملاً " زیر سلطه وی قرار گرفته است. در همین راستا امریکا در نظر دارد مقر عظیم فرماندهی نظامی خود را که برای جنگ با (بقیه زیر نویس در صفحه بعد)

اما امریکا هنوز باید یلگمشکل اساسی را برای خود حل نماید و آن مساله اعراب و اسراییل است. حل این مساله پرستیژ اضافی به امریکا می‌دهد و با تثبیت وضع اسراییل^۱ در حقیقت یکی از پایه‌های اصلی سلطه امریکا در منطقه محکم خواهد شد و بسیاری از نگرانیهای امریکا از بیسن خواهد رفت.^۲ ظواهر اولیه امرنشان از برخی تحولات می‌داد که می‌توانست به امریکا در رسیدن به این هدف کمک کند.^۳

(دنباله زیرنویس صفحه قبل)

نموده بود به همان وسعت حفظ کند تا در آینده بتواند قیامهای منطقه‌های را سرکوب نماید (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۹/۱۲/۲۲ صفحه ۱۴) نه تنها امریکا در نظر دارد یک نیروی صدهزار نفری در عربستان برای چهار تجاوز آتی عراق به عربستان و سایر شیخ نشینهای کوچک حتمی اسراییل در منطقه نگهدارد (کیهان، ۲۹ ابانماه ۱۳۶۹)، بعد از خاتمه جنگ، امریکا مرکز فرماندهی نیروهای واکنش سریع خود را به بحرین منتقل نمود و به این ترتیب همه چیز حکایت از وجود یک هدف دراز مدت دارد. مقایسه شود.

- Daily Report, O.O.A, 9 January, 1991, cp, 53.

۱- وزیر امور خارجه اسراییل دیوید لوی (David Levi) در یک مصاحبه به تاریخ نهم ژانویه ۱۹۹۱ صریحا " بیان می‌دارد که وضع پیش آمده فرصت بسیار مناسبی را برای تثبیت وضع اسراییل پیش آورده است. مراجعه شود به:

- Daily Report, O.O.A, 9 January, p, 30.

۲- یکی از نقاط ضعف امریکا در منطقه عدم توانایی وی برای حل مساله اعراب اسراییل بوده است، چرا که ادامه درگیریها سدره سیاستهای عربی امریکا و به عنوان لکه سیاه سیاست این کشور در میان مسلمانان می‌باشد. در عین حال اگر دولت دیگری غیر از امریکا مثلا " شوروی و یا یکی از کشورهای اروپایی بتواند رهبری حل مساله را به دست گیرد (خواه ناخواه اگر طرفین دعوی از توانایی امریکا در حل مساله مایوس شوند به سوی دیگر رو می‌آورند) در آن صورت موقعیت امریکا در منطقه و حتی جهان بیشتر متزلزل می‌شود. برای رفع این مشکل امریکا بلافاصله پس از خاتمه جنگ کوششهای خود را آغاز کرد تا در جو سردرگمی بوجود آمده راه حل مناسبی را پیدا کند، هر چند آینده روشنی برای امریکا قابل تصور نیست (روزنامه اطلاعات، ۲۷ اسفند ۱۳۶۹، صفحه ۱۲) همین طور مقایسه شود طرح صلح اعراب و اسراییل که توسط وزیر امور خارجه اسراییل عرضه شده است.

Daily Report, O.O.A, 9 January 1991, pp. 31-32.

۳- یکی از تحولات مهم در این رابطه انعطاف پذیری در قبال مساله اسراییل است. عراق عملا " از گر دونه خارج شد و عرفیات در حاشیه قرار گرفته است. عبارت دیگر جبهه پایداری اعراب عملا " کارایی خود را از دست داده است.

روزنامه اطلاعات، ۲۲ اسفند ۱۳۶۹، صفحه ۱۲ همین طور مقایسه شود.

Daily Report, O.O.A, 9 January 1991, p. 14.

در مجموع این طور به نظر می‌رسد که همه عوامل، سلطه امریکا بر منطقه را برای يك صد سال دیگر تضمین نماید.^۱ ولی این ظاهر بسیار فریبنده و سراب برای امریکا است. در خاتمه این جنگ، هرچند امریکا به برخی از اهداف خود دست یافت ولی در واقع اونیز بازنده جنگ است. یکی از نکات مهم در این مورد آن است که امریکا نشان داد بسیار ضعیف است و جز با کمک مالی و نظامی و حمایت سیاسی سایر کشورها حتی قدرت جنگ با يك کشور کوچکی همچون عراق را ندارد. این امر نشان داد که امریکا (نظیر شوروی) دوران ابر قدرتی را پشت سر گذاشته و وابستگی نظامی و سیاسی و مالی شدیدی به سایر کشورها دارد. این تصویر جدید از امریکا دقیقاً "چیزی است که این کشور سعی داشته است معکوس آن را به نمایش گذارد، به علاوه امریکا می‌تواند بدون برانگیختن دشمنیهای سایر کشورها به توسعه طلبی خود ادامه دهد و مسلماً "کمر بند امنیتی وی از بندهای بسیارست بافته شده است که نمی‌تواند امیدی به دوام طولانی مدت آن داشته باشد و بالاخره امریکا چنان درگیر مشکلات داخلی (مالی، اقتصادی، سیاسی) است که نمی‌تواند جریان سقوط خود را تغییر مسیر دهد.

۲- موقعیت عراق: پس از هجوم هوایی به خاک عراق، امید رژیم بغداد به قیامهای مردمی و در موار دی همدردی دولتها^۳ در سراسر جهان علییه

۱- بوش رییس جمهور امریکا اظهار می‌دارد که امریکا يك برنامه يك صدساله برای منطقه خلیج فارس دارد. وی در عین حال بیان می‌دارد که با پایان گرفتن جنگ با عراق وظیفه امریکا به عنوان حافظ صلح در منطقه پایان پذیرفته است: Dispatch, O.O.A. February H, 1991, Vol, 2, No, 5, p, 66; Daily Report, O.O.A, p. 53.

۲- ته یاسین رمضان (وزیر امور خارجه و معاون اول نخست وزیر عراق) در يك مصاحبه می‌گوید: "...افکار عمومی امریکا و اروپا باید علیه اقدامات امریکا قیام کنند..." وی سپس می‌گوید: اگر تهاجم مستقیم علیه عراق انجام گیرد، همه جهان اسلام و عرب بدون استثناء میدان جنگ خواهد بود: Daily Report, O.O.A, 9 January, 1991, p. 21.

۳- صدام امیدوار بود با حمله به اسراییل کشورهای عربی و در ابعاد وسیع تر کشورهای اسلامی را نیز به طرفداری و حمایت از خود برانگیزد: Time September 1990. p. 18.

امریکا و ایجاد شکاف در جبهه منفقین،^۱ به علت ماهیت تجاوزکارانه رژیم صدام واقعیت نیافت. به علاوه کنترل رسانه‌های خبری از سوی دول غربی و برنامه شستشوی مغزی مردم جهان از طریق به کارگیری این رسانه‌ها توانست افکار عمومی کشورهای عربی را در جهت جنگ تشویق کند. حرکت‌های ضد جنگ در این کشورها آنقدر محدود و آنقدر کنترل شده بود که بیشتر در جهت مهار مخالفتها مفید افتاد تا در جهت تاثیر بر روند جنگ طلبی مقامات کشورهای مزبور. در عین حال عملیات خرابکاری که می‌بایست دولتهای غربی را زمینگیر کند، هرچند تاثیراتی داشت.^۲ ولی آنقدر وسیع نبود که سیستم نظامی و سیاسی این کشورها را فلج نماید.

مجموع این عوامل، شکست صدام را تسریع نموده هرچند دولت عراق سعی کرد شکست نیروهای خود در کویت را يك عقب نشینی برنامه ریزی شده جلوه دهد و قبول آتش بس را به عنوان بيك پیروزی جشن بگیرد ولی برای مردم جهان و بخصوص آن بخش از مردم عرب که تحت تاثیر شدید تبلیغات صدام حسین، دروي بيك رهبر جدید پان عربیسم را تجسم می‌کردند روشن شد کسه وی قابلیت رهبری اعراب و حتی عراق را نیز ندارد.^۳ این ضعف رژیم صدام مسلما "

1- Time, September 1990, p.18.

۲- به عنوان نمونه شرکت‌های مسافرتی هوایی در غرب، بخش اعظم مسافرین خود را که از ترس عملیات خرابکارانه از مسافرت خوداری می‌کردند، تحت تاثیر بسیار شدید قرار داد تا جاییکه برخی از این شرکتها تهدید به ورشکستگی شدند.

۳- صدام در بيك سخنرانی برای تعدادی از افسران عالی‌رتبه خود می‌گوید: " بجای جنگ‌های متعدد برای رسیدن به اهداف مختلف ما به بيك جنگ نهایی برای رسیدن به همه اهداف اقدام می‌کنیم. این اهداف عبارتند از جایگزین کردن عدالت به جای بی عدالتی، آزادی به جای سلطه بیگانگان. فائق آمدن بر فقر، تحمیلی، آزاد نمودن فلسطین و...".

Daily Report Near East & Seath Asia, 9 January 1991, p.23. صدام در سخنرانی دیگری در سالگرد هفتادمین سال تاسیس ارتش عراق اظهار می‌دارد: " نیروهای مسلح عراق سمبل نیروهای مسلح ملیت عرب هستند امروز در سالگرد (روز ارتش) ما از نیروهای مسلح در عراق صحبت می‌کنیم نه نیروهای مسلح عراقی زیرا این ارتشی است که در عراق با عضویت عراقی‌ها ایجاد شده است ولی متعلق به ملت عرب است. آنها حافظ منافع ملت عرب می‌باشند".

Daily Report , 0.0.A, p.25.

بر آینده عراق و منطقه تاثیر منفی عمیقی خواهد داشت، زیرا صدام نظیر هر دیکتاتور دیگری در طول تاریخ اکنون فقط در فکر موجودیت خود به هر قیمت است، حتی اگر این قیمت عبارت باشد از قبول حضور سربازان امریکا از جنوب تا شمال خاک عراق.

نظم جدید بین المللی

رفتار امریکا در بحران کویت این شبهه را به وجود آورده است که بعد از سقوط شوروی^۱ امریکا سعی دارد با ایفای نقش پلیس بین المللی به ایجاد یک نظم جدید جهانی،^۲ در قالب نوعی حکومت جهانی بدون مرز

۱- در هفته آخر بحران کویت، شوروی سعی نمود با ابتکار متوقف کردن جنگ در منطقه و جهان حیثیتی برای خود کسب کند و در این راستا فعالیت دیپلماسی شدیدی را آغاز کرد که باعث شد رژیم عراق اعلام نماید آماده است نیروهای نظامی خود را از کویت خارج کند. امریکا که نمی خواست رهبری جنگ را به کشور دیگری واگذارد، اقدام به عمل متقابلی برای تخریب اقدامات شوروی نمود بوش از عراق خواست که طی ۲۴ ساعت اعلام نماید که بدون قید و شرط آماده خروج از کویت است و ظرف ۴۸ ساعت عملاً از کویت خارج شود. به این ترتیب رییس جمهور امریکا اقدامات شوروی را خنثی نمود رفتار وضعیست شوروی در بحران کویت (حتی گفته می شود شوروی رای مثبت خود به قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت را با گرفتن ۴ میلیارد دلار هدیه از عربستان سعودی داده است) در حقیقت نقطه پایان دوران ابر قدرتی این کشور به طور رسمی بسود مقایسه شود:

Maclean's, O.O.A, pp, 16-20; Fortune, March 25, 1991, p, 32.

۲- بوش در سخنرانی ۲۹ ژانویه خود برای مردم امریکا در توجیه سیاست خارجی می گوید:

"... آنچه مورد نظر است خیلی بیشتر از آن کشور کوچک است. در اینجا یک ایده بزرگ در کار است: یک نظم جدید بین المللی ..."

Dispatch, February 4, 1991, Vol, 2, No, 5, p, 65.

مقایسه شود: در تاریخ ۱۶ ژانویه بوش در پیامی که به مناسبت آغاز حملات هوایی به عراق برای مردم امریکا می فرستد می گوید: "... اکنون یک لحظه تاریخی است ... مادر مقابل خود فرصتی را می بینیم که طی آن برای خود و نسل آینده یک نظم جدید بین المللی را به وجود آوریم ..."

Dispatch, O.O.A, 21 January 1991, p, 38.

اقتصادی اقدام کند. بدون مرز اقتصادی البته به این مفهوم که شرکتهای چند ملیتی بتوانند به منابع طبیعی و بازارهای جهانی دسترسی مستمر و آزاد داشته باشند^۲ و بدین ترتیب ایده "جهان به صورت یک فروشگاه بزرگ" را جامه عمل بپوشاند.^۳ در چنین سیستم جهانی این پلیس بین المللی (امریکا) است که وظایف و حدود تولید هر منطقه را تعیین می کند. حتی ژاپن، اروپای غربی^۴ و شوروی نیز طبق خواست و وظایفی که امریکا به عهده آنها خواهد

۱- بوش در یک سخنرانی بیان می دارد: "۰۰۰ ماده عنوان بیک شهروند جهان به این جنگ علاقه داریم"^۵
 Peyroleum Economic, March 1991, Vol. 58, No. 5, p. 4.

۲- امریکا سعی نموده است اقدامات خود را کوشش برای حفظ صلح جهانی قلمداد کند ولی در واقع وی خواسته است ساختار اقتصادی جهان (وضعیت موجود رابطه شمال - جنوب) را حفظ نماید زیرا هر تغییری در این ساختار اقتصادی جهان منافع کشورهای شمال را به مخاطره می اندازد:
 Aussen Politic, O.O.A.p., 74.

۳- بوش رییس جمهور امریکا یکی از سرمایه داران بزرگ است. تنها سهام املاک وی بیشتر از ۵ میلیارد دلار ارزش دارد (بسرنام سه تلوویزیونی CKWS, 16 May 1991, 6.30am) در عین حال بوش یکی از اعضای شرکت بکتل (Bechtel) است که بیشترین قرار دادهای ساختمان سازی و غیره را در کشورهای غربی به عهده دارد.

۳- از جمله نتایج بحران کویت را می توانیم در تغییر موضع فرانسه در قبال امریکا مشاهده نمود. فرانسه که اغلب سعی نموده است سیاست مستقل خارجی داشته باشد، اکنون مقهور قدرت امریکا شده است و سیاست مستقل عربی خود را کنار گذاشته است تا جاییکه رولاند دوما در یک مصاحبه می گوید: سیاست فرانسه در قبال جهان عرب - یعنی سیاستی که غالباً "ناخشنودی و آشنگتن را در پی داشته بر مبنای یک سری اوهام دستور بوده است"^۶ "اصلاً" صحبت کردن در باره جهان عرب حالت تخیلی دارد.^۷ " : روزنامه اطلاعات ۲۷ اسفند ۱۳۶۹، صفحه ۱۲. در ضمن در خصوص زمینه اختلافات پاریس و واشنگتن در مساله فلسطین مراجعه شود به:
 Dispatch, O.O.A. January 14, 1991, Vol. 2, p. 19.

گذاشت انجام وظیفه خواهند نمود.^۱

مقر این پلیس جهانی در کاخ سازمان ملل متحد است. سازمان ملل در حقیقت به صورت ماشین سلطه آمریکا بر جهان در می‌آید.^۲ تجربه هیجان انگیز بسیج اعضاء این سازمان در بحران کویت و استفاده از مقررات آن برای توجیه اقدامات گسترش نفوذ، به آمریکا این امید را می‌دهد که به تدریج بتواند نقش خود را به صورت یک پلیس جهانی ایفاء کند.^۳ البته در چنین شرایطی برخی مقاومتها مشاهده خواهد شد که نیاز به سرکوب دارد.

مردم آمریکا که هنوز تجربه تلخ ویتنام در ذهن آنها زنده است.^۴ مردمی که به تدریج اعتماد به نفس خود و اعتماد به زمامداران و سیستم حکومتی خود را از دست داده‌اند البته حاضر نخواهند بود و توان آن را ندارند که به صورت نیروی پلیس بین‌المللی انجام وظیفه نمایند. برای رفع مشکل باید اعتماد به نفس مردم آمریکا به آنها بازگردانده شود.^۵ برای این کار برنامه وسیع‌شستشوی

۱- در رابطه با مسایل خاورمیانه یک مقام کاخ سفید واکنش می‌گوید: "به شیوه‌ها عمل خواهد شد و ادامه می‌دهد. ما از نقش رهبری خود دست نخواهیم کشید ما را ی خود را اعمال خواهیم کرد." روزنامه اطلاعات، ۲۷ اسفند ۱۳۶۹، (صفحه ۱۲).

مقایسه شود: برای موجه جلوه دادن نظم جدید، اخیراً "در غرب بیان شده است که دبیرکل بعدی سازمان ملل باید فردی قوی و در اختیار آمریکا باشد. آنها به شواتز نادره وزیر امور خارجه مستعفی شوروی به عنوان مرد مورد نظر اشاره می‌کنند. انتخاب وی این حسن را نیز دارد که کمتر مورد مخالفت جهان سوم قرار می‌گیرد:

The Economist, 27 April, 3May, 1991, p.13-14.

2-U.S. News & World Report, Special, issue, March, 11, 1991, p.6.

3- The Gargtle, Monday, March 25, 1991, p.B3:
U.S. Stumbles over new world Order.

۴- در این خصوص تقریباً "همه مفسرین و دانشمندان علوم سیاسی در مقالات خود متفق القول هستند. از جمله نگاه کنید به:

Fortune, March 25, 1991, p.32.

۵- بوش در یک سخنرانی برای مردم آمریکا در توجیه سیاست خارجی در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱ می‌گوید "ما می‌دانیم چرا اینجا هستیم، ما اینجا هستیم چون ما آمریکایی هستیم!"

Dispatch, O.O.A, February 4, 1991, Vol, 2, No. 5, p.65.

مغزی و زدودن خاطرات شکستهای سیاسی - نظامی متعدد آمریکا و جایگزین کردن آن با "تصور" جدید "قهرمانی" در دست اجراست.^۱ شکست عراق را به صورت یک عملیات خارق العاده و قهرمانانه به خورد مردم آمریکا دادند، سربازان را به تدریج ولی با هیاهو، سرودهای ملی، حلقه‌های گل، پیشواز رسمی، جشن‌ها و پایکوبیهای پرزرق و برق وارد آمریکا، شهرها و محله‌ها نمودند، طبل‌های بسیاری به صدا درآمده همه جا نظامیگری به صورت حماسه قهرمانی جلوه داده شد.^۲ مردم تحریک شدند تا در آینده باشوق و ذوق بیشتر به جنگ بروند و در کنار آن البته افزایش بودجه نظامی مورد تأیید قرار گرفته است.^۳ اما همه این هیاهوها نظیر طبل‌هایی که می‌نواختند توخالی بود. کدام جنگ قهرمانانه؟^۴ و لا "جنگ فقط جنگ ابزار و تکنولوژی بوده جنگ افزار و قهرمان آفرینی آنها، ثانیاً" این عملیات بدون کمک و حمایت سایر

1-U.S.News & World Report, O.O.A., March 11, 1991, p.21.

۲ در جنگ علیه عراق اغلب سربازان آمریکایی را سیاهپوستان، مهاجرین آمریکایی لاتین و طبقه فقیر آمریکا تشکیل می‌دادند. سیاهپوستان ۱۲/۴ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند ولی شامل ۲۰ درصد ارتش دو میلیون نفری می‌شوند: Time, November 26, 1990, p.42.

۳ اکنون این سوال مطرح است که آیا موفقیت در تجاوزات نظامی نظیر موفقیت در پاناما، دخالت در نیکاراگوا و پیروزی در بحران کویت مشوقی برای آمریکا جهت کشیده شدن به سایر صحنه‌های تجاوزگری نخواهد بود؟ و آیا این آغازی برای سقوط نهایی آمریکا نیست؟ مقایسه شود:

U.S.News & World Report, O.O.A., March 11, 1991, p.15 and p.12.

Fortune, 25 March, 1991, pp.60-63.

۴- مراجعه شود به:

کشورها و بخصوص کشورهای منطقه امکان نداشت^۱ به پیروزی دست یابد. به علاوه این چه قهرمانی است که ۲۸ کشور جهان علیه یک کشور کوچک ۱۸ میلیونی با ارتشی که متکی به ابزار و تجهیزات کشورهای دشمن است وارد جنگ شود و پیروزی خود را جشن بگیرد. توخالی بودن این هیاهو از آنجا بیشتر آشکار می شود که چند هفته پس از خاتمه جنگ، وقتی به تدریج هیجانانگیز اولیه فرونشست، نگرانی مردم آمریکا از عملکرد غیراخلاقی و درعین حال مغشوش دولت بوش شدت گرفت^۲. آمریکا که از درون با مشکلات عدیده روبرو است (مواد مخدر، کسری بودجه، قروض خارجی، گسترش فقر در جامعه^۳ رکود مستمر اقتصادی) سعی دارد با برانگیختن احساسات مردم خود علیه مردم پیرامون، آنها را آماده جنگ و فسادکاری

۱- طبق برآوردهای به عمل آمده هزینه های جنگ تا تاریخ ۲۵/۲/۱۹۹۱ به شرح زیر توسط کشورهای مختلف به آمریکا پرداخت شده است.

نام کشور	مبلغ پرداخت شده	مبلغ تعهد شده
آلمان	۳ میلیارد دلار	۶/۶ میلیارد دلار
ژاپن	" " ۱/۳	" " ۱۰/۷
کویت	" " ۳/۵	" " ۱۶
عربستان سعودی	" " ۶	" " ۱۶/۸
امارات	" " ۱	" " ۳
متحده عربی سایرکشورها	" " ۰/۱	" " ۰/۴

نتیجه آنکه: کل هزینه جنگ (هزینه مصرف شده) ۴۷/۵ میلیارد دلار

کل کمکهای تقبل شده در رابطه با جنگ ۵۳/۵ " "

سود خالص آمریکا در جنگ ۶ میلیارد دلار

ماخذ مطالب فوق:

Fortine, March 25, 1991, p. 32.

Time, December 24, 1990, p. 13.

۲- مراجعه شود به مصاحبه مک کارتی که در آن بوش را مورد حمله قرار داده، است. Observer, 14 April, 1991, p. 24.

۳- ده درصد از کودکان در نیویورک گرسنه به خواب می روند، ۲۷ میلیون آمریکایی فاقد بیمه درمانی هستند و ۴۰ میلیون نفر زیر حد فقر زندگی می کنند.

نماید.^۱ به این ترتیب نابسامانیهای داخلی را به خارج منتقل نموده ریا بر آن سرپوش گذارد.^۲ اکنون جهان بعد از " جنگ سرد " با خطر جنگهای تمام عیار روبرو است که جنگ علیه عراق فقط آغاز آن بود.

۱- مراجعه شود به نشوری " ساختار امپریالیسم " گالتونک در کتاب: تجارت، بین المللی و فقر جهانی ، ترجمه دکتر همایون الهی، نشر قومس، ۱۳۶۸.

۲- بوش رئیس جمهور امریکا در سخنرانی خود برای مردم امریکا در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۱ از قهرمانی و حماسه آفرینی امریکاییها بطور دائم سخن می گوید و آنها را تحریک به نظامیگری می نماید. نگاه کنید به: Dispatch, February 4, 1991, Vol. 2, No. 5, p. 65; State of The Union Address, President Bush: excerpts relating to Foreign Policy , Washington, D.C. January 29, 1991.

وی در همین سخنرانی به وضوح می گوید که این جنگ حلال مشکلات داخلی امریکا است (تحریک مردم علیه کشورهای دیگر) همان ماخذ.